

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقارنات نماز

### حالات چهارگانه‌ی ظاهری نمازگزار

نمازگزار در نماز چهار حالت ظاهری و فیزیکی دارد؛ قیام، رکوع، سجود و قعود. حالتی که نمازگزار ایستاده است و حمد و سوره می‌خواند؛ یا در رکعت سوم و چهارم تسبیحات اربعه می‌گوید؛ حالتی که رکوع کرده است؛ حالتی که سر به سجده نهاده است و حالتی که در تشهد یا بین السجده‌تین، نشسته است. این چهار حالت جزء مقارنات نماز، یعنی قرین و مقارن با نماز است. قبل از این که به توضیحاتی درباره‌ی هر یک از این چهار مورد بپردازم، باید عرض کنم که این حالات چهارگانه‌ی نماز، به امر خدا شکل گرفته است و در سفر معراج مقرر شده است. در تأیید این که مقارنات نماز از جانب خدا تعیین شد، دو حدیث می‌خوانم.

حدیث اول از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ « قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله أَمَرَنِي جِبْرِيلُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَ أَنْ

أَحْمَدَهُ رَاكِعًا وَ أَنْ أُسَبِّحَهُ سَاجِدًا وَ أَنْ أَدْعُوهُ جَالِسًا<sup>۱</sup> پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل از جانب

خدا به من امر کرد موقع خواندن حمد و سوره قیام کنم؛ حمد خدا را در حال رکوع به جا بیاورم؛

تسبیح خدا را در حال سجده به جا بیاورم و در حالت نشسته دعا کنم. بنابراین این چهار حالت،

۱. مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۳.

یعنی قیام، رکوع، سجود و جلوس یا قعود، همه از جانب خدای متعال مقرر شد و جبرئیل آن را به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعلام و ابلاغ کرد.

حدیث دیگری که در این باب است، بسیار مفصل است و اشاره به نماز پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معراج دارد. <sup>۲</sup> حدیث از اسحاق بن عمّار است؛ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام كَيْفَ صَارَتِ الصَّلَاةُ رُكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ وَ كَيْفَ إِذَا صَارَتْ سَجْدَتَيْنِ لَمْ تَكُنْ رُكْعَتَيْنِ؟»؛ اسحاق بن عمّار می‌گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کردم که چگونه هر یک رکعت نماز با دو سجده توأم شد؟ و چگونه دو سجده، دو رکعت به شمار نمی‌آید؟ «فَقَالَ إِذَا سَأَلْتَ عَنْ شَيْءٍ فَفَرِّغْ قَلْبَكَ لِتَفْهَمَ»؛ امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: وقتی در مورد چیزی سؤال کردی، قلبت را از همه‌ی چیزهای دیگر فارغ کن و متمرکز شو تا پاسخ را بفهمی. سپس فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا صَلَّاهَا فِي السَّمَاءِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قُدَّامَ عَرْشِهِ جَلَّ جَلَّالُهُ»؛ اولین نماز رسول خدا، همان بود که ایشان در آسمان، در پیشگاه پروردگار تبارک و تعالی،<sup>۱</sup> در نزد عرش پروردگار جلّ جلاله به جا آوردند. «وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ وَ صَارَ عِنْدَ عَرْشِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ»؛ ماجرا این بود که وقتی پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در آن سفر شبانه به آسمان بردند و ایشان در نزد خدای تبارک و تعالی،<sup>۱</sup> قرار داشتند؛ خداوند به ایشان فرمود: «يَا مُحَمَّدُ اذْنُ مِنْ صَادٍ فَاغْسِلْ مَسَاجِدَكَ وَ طَهَّرْهَا وَ صَلِّ لِرَبِّكَ»؛

<sup>۲</sup> ای کاش یک نفر مجموعه‌ی احادیث معراجیه را که ناظر بر بحث صلاة است، بدون هیچ شرحی، جمع‌آوری و ترجمه می‌کرد و در دسترس عموم قرار می‌داد. این احادیث بسیار لطیف است و آموزه‌های بلندی دارد.

خدای متعال به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب کرد: نزدیک صاد بیا و محل‌های سجده‌ی خودت را بشوی و تطهیر کن و برای پروردگارت نماز به‌جا آور. یعنی از جانب خدا امر به وضو شد. «فَدَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَىٰ آيَةِ آيَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فَتَوَضَّأَ فَاسْبَغَ وُضُوءَهُ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْجَبَّارَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ قَائِمًا فَأَمَرَهُ بِافْتِتَاحِ الصَّلَاةِ فَفَعَلَ»؛ سپس پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همان جایی که خدای متعال فرموده بود، نزدیک شدند و وضوی تمام‌عیار، کامل و شادابی گرفتند. و به خدای جبار تبارک و تعالیٰ رو کردند، در حالی که ایستاده بودند. خدا امر فرمود به این‌که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز را آغاز کند. پس در اولین مرتبه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قائماً در پیشگاه پروردگار ایستادند و به خدای متعال رو کردند و خدا به ایشان امر کرد که نماز را آغاز کنند و ایشان نماز را آغاز کردند. «فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup> إِلَىٰ آخِرِهَا» خدای متعال به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای پیامبر، بخوان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا آخر سوره. «فَفَعَلَ ذَلِكَ»؛ پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم این سوره را تا پایان خواندند. «ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَقْرَأَ نِسْبَةَ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ»<sup>۴</sup> ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْقَوْلَ»؛ بعد خدای متعال به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر کرد نسبت پروردگارش تبارک و تعالیٰ را به این گونه بخواند.<sup>۵</sup> «بِسْمِ اللَّهِ

۳. سوره‌ی حمد، آیه‌های ۱ و ۲.

۴. سوره‌ی اخلاص، آیه‌های ۱ و ۲.

۵. سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (سوره‌ی اخلاص) نسبت پروردگار هم نامیده شده است. مثل شناسنامه یا برگه‌ی شناسایی و هویت یک فرد؛ این سوره هم

برگ شناسایی و هویت خداست. کما این که به موجب روایات، سوره‌ی قدر نسبت اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ» بعد خدای متعال از سخن گفتن باز ایستاد. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ» پیغمبر ﷺ، در اجرای امر خدا گفت «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ» سپس «فَقَالَ قُلْ «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ؛ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» خداوند فرمود: بگو «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ؛ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» بعد خدا از سخن باز ایستاد. پیغمبر ﷺ ادامه‌ی سوره را تا پایان خواندند. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» بعد از این که پیغمبر اکرم ﷺ سوره‌ی اخلاص را خواندند؛ خود حضرت سه بار ابراز داشتند: خدای من این گونه است؛ پروردگار من این گونه است؛ پروردگار من این چنین است. «فَلَمَّا قَالَ ذَلِكَ قَالَ ارْكَعْ يَا مُحَمَّدُ لِرَبِّكَ فَارْكَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»؛ بعد از این که پیغمبر اکرم ﷺ سه بار این عبارت را بیان داشتند، خدای متعال فرمود: ای پیامبر برای پروردگارت رکوع کن و ایشان رکوع کردند. «فَقَالَ لَهُ وَ هُوَ رَاكِعٌ»؛ خدای متعال در حالی که پیامبر ﷺ در رکوع بودند، به ایشان فرمود: «قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» در حال رکوع بگو: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ». «فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا» پیغمبر اکرم ﷺ در حال رکوع، سه بار این جمله را تکرار کردند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ». «ثُمَّ قَالَ ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ»؛ بعد خدای متعال به پیامبر ﷺ فرمود: سرت را از رکوع بردار. «فَفَعَلَ ذَلِكَ

۴. سوره‌ی اخلاص، آیه‌های ۳ و ۴.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ پیغمبر اکرم ﷺ هم از رکوع بلند شدند. «فَقَامَ مُتَّصِبًا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ پیامبر ﷺ در پیشگاه پروردگار ایستادند. «فَقَالَ اسْجُدْ يَا مُحَمَّدُ لِرَبِّكَ»؛ خدای متعال فرمود: ای پیامبر، برای پروردگارت سجده کن. «فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَاجِدًا»؛ پیغمبر اکرم ﷺ به سجده افتادند. «فَقَالَ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ»؛ خدای متعال به پیامبر ﷺ فرمود: در سجده بگو: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ». «فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثًا»؛ پیغمبر ﷺ هم در حال سجده، سه بار این جمله را تکرار کردند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ»، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ»، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ». «فَقَالَ لَهُ اسْتَوِ جَالِسًا يَا مُحَمَّدُ» بعد خدای متعال به پیغمبر ﷺ فرمود: بلند شو، مستقیم و صاف بنشین. «فَفَعَلَ»؛ پیغمبر ﷺ هم سر از سجده برداشتند و نشستند. «فَلَمَّا اسْتَوَىٰ جَالِسًا ذَكَرَ جَلَالَ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرِ أَمْرِهِ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ پیغمبر ﷺ همین که سر از سجده برداشتند و نشستند، یاد جلال و عظمت پروردگار افتادند و این بار از جانب خویش، نه در اجرای دستوری که خدا صادر کرده باشد، دوباره به سجده افتادند. «فَسَبَّحَ أَيْضًا ثَلَاثًا»؛ و مثل دفعه‌ی قبل، سه بار در سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ» را تکرار کردند. «فَقَالَ أَنْتَصِبُ قَائِمًا»؛ بعد خدای متعال به پیامبر ﷺ فرمود: بلند شو؛ بایست. «فَفَعَلَ فَلَمْ يَرَ مَا كَانَ رَأَىٰ مِنْ عَظَمَةِ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ»؛ هنگامی که پیغمبر ﷺ ایستادند، آنچه را که در حالتی که سر از سجده برداشته بودند، از آن جلال و

عظمت می‌دیدند، نمی‌دیدند. «فَقَالَ لَهُ اقْرَأْ يَا مُحَمَّدٌ وَافْعَلْ كَمَا فَعَلْتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى» خدای متعال به پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: ای پیامبر، شروع کن به خواندن قرآن، سوره‌ی حمد و اخلاص، همان‌طور که در رکعت نخست خواندی. «فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»؛ پیغمبر اکرم ﷺ همین کار را انجام دادند. ( اینجا در نقل روایت، بحث رکوع افتاده است؛ که خداوند امر به رکوع فرمود و حضرت به رکوع رفتند.) بعد می‌گوید: «ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً» سپس پیغمبر ﷺ به سجده افتادند و یک سجده به جا آوردند. «فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ ذَكَرَ جَلَالَتهُ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الثَّانِيَةَ فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرِ أَمْرِهِ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَسَبَّحَ أَيْضًا» پیغمبر اکرم ﷺ سجده کردند؛ وقتی سرشان را از سجده برداشتند؛ دوباره به یاد جلال و عظمت حق متعال افتادند و باز از جانب خویش، نه در اجرای امری که پروردگار به آن حضرت کرده باشد، مجدداً به سجده افتادند و در سجده‌ی دوم هم تسبیح خدا را گفتند. «ثُمَّ قَالَ لَهُ ارْفَعْ رَأْسَكَ ثَبَّتَكَ اللَّهُ»؛ خدای متعال به پیامبر ﷺ فرمود: سرت را از سجده بردار؛ خدا تو را ثابت قدم بدارد. «وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» «وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»<sup>۷</sup> اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ (عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ. فَفَعَلَ»

<sup>۷</sup> سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷.

وقتی پیغمبر ﷺ نشستند، خدا امر فرمود: شهادت بده که خدا و معبودی جز الله نیست؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و شهادت بده که تو (محمد ﷺ) رسول خدا هستی؛ و این که قیامت فرا خواهد رسید و تردیدی در آن نیست؛ و این که خداوند مردگان را از گورها برمی‌انگیزاند. و بعد بر پیامبر و خاندان او صلوات بفرست و این جملات را بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ (عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» یعنی خدایا درود بفرست بر پیامبر ﷺ و خاندانش؛ و خاندانش را مورد رحمت خویش قرار بده؛ همان‌گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم خلیل درود فرستادی و برکت دادی و مورد رحمت قرار دادی؛ که هرآینه تو ستوده و شایسته‌ی ستایش و مورد مجد و حمدی. بعد هم بگو: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ» خدایا شفاعت پیامبر اسلام ﷺ را درباره‌ی امتش پذیرا باش. «وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ»؛ و درجه و مرتبه‌ی پیامبر اسلام را هم بالا ببر. پیغمبر اکرم ﷺ هم عیناً آنها را در تشهد گفتند. «فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ» بعد خدای متعال به پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: سلام پایان نماز را بده. «فَاسْتَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَبَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ جَهَّهُ مُطْرَقًا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ. فَأَجَابَهُ الْجِبَارُ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مُحَمَّدُ بِنِعْمَتِي قَوَّيْتُكَ عَلَى طَاعَتِي وَ بَعْصَمْتِي إِيَّاكَ اتَّخَذْتُكَ نَبِيًّا وَ حَبِيبًا»؛ پیغمبر اکرم ﷺ روی خود را به پروردگار متعال کردند و درحالی که رویشان را به سوی خدای متعال متوجه کردند؛ عرضه داشتند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ» بر خدا سلام کردند. «فَأَجَابَهُ الْجِبَارُ

جَلَّ جَلَالُهُ» بعد خدای جَبَّار که جلال و شکوه او فوق العاده است، پاسخ و جواب سلام پیامبر ﷺ را داد؛ فرمود: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ» بر تو باد سلام. ای پیامبر! من با نعمتم تو را بر انجام طاعتم توانا ساختم و با عصمتی که نصیب تو کردم و حفظی که تو را کردم؛ تو را به عنوان پیامبر و محبوبم برگزیدم. «ثُمَّ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» بعد از این که امام کاظم ﷺ ماجرای نماز معراج را توضیح دادند، فرمودند: «وَإِنَّمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ الَّتِي أَمَرَ بِهَا رَكَعَتَيْنِ وَ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ ﷺ إِنَّمَا سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ عَمَّا أَخْبَرْتُكَ مِنْ تَذَكُّرِهِ لِعَظَمَةِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضًا»؛ نمازی که به پیامبر اکرم ﷺ امر شد، دو رکعت بود و دو سجده داشت؛ ولی همان گونه که برایت نقل کردم، پیامبر اکرم ﷺ در اثر یاد عظمت پروردگار، در هر رکعت دو سجده به جا آوردند؛ و الا خدا در هر رکعت، به یک سجده امر کرده بود. و بعد از این کاری که پیغمبر اکرم ﷺ انجام دادند، خدای تبارک و تعالی در هر رکعت، دو سجده را واجب کرد. «قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا صَادُّ الَّذِي أَمَرَ أَنْ يَغْتَسِلَ مِنْهُ»؛ راوی حدیث (اسحاق بن عمّار) می گوید: به امام کاظم ﷺ عرض کردم: فدای شما شوم؛ آن صادی که پیامبر ﷺ مأمور شدند از آنجا وضو بگیرند و محل های عبادتشان را بشویند، چه بود؟ امام کاظم ﷺ فرمودند: «فَقَالَ عَيْنٌ تَنْفَجِرُ مِنْ رُكْنٍ مِنْ أَرْكَانِ الْعَرْشِ»؛ چشمه ای بود که از یکی از ارکان و پایه های عرش پروردگار می جوشد. «يُقَالُ لَهُ مَاءُ الْحَيَاةِ» و به آن آب زندگانی (آب حیات) می گویند. «وَ هُوَ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «ص وَ الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ»<sup>۱</sup> و این همان است که

<sup>۱</sup> سوره ی ص، آیه ی ۱.



خدای عزّ و جلّ در قرآن مجید هم از آن نام برده است؛ و فرموده است: «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ».

«إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ وَيَقْرَأَ وَيُصَلِّيَ.»<sup>۹</sup> هرآینه خدای متعال پیغمبر اکرم ﷺ را امر کرد که وضو

بگیرد و آیات قرآن را بخواند و نماز بگزارد.

این حدیث نسبتاً طولانی هم نشان دهنده‌ی این است که قیام، رکوع، سجود و جلوس یا قعود،

همه به امر پروردگار شکل گرفته است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

<sup>۹</sup>. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۳۵ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۲۶۶.